

## منطق و روش پژوهش در حوزه مطالعات

### راهبردی امنیت ملی

گروه روش شناسی معاونت پژوهش و تولید علم

#### چکیده

در این مقاله اصول و مفاهیم مندرج در حوزه دانش راهبرد و امنیت ملی از حیث معرفت شناختی و فلسفه ی علم مورد بحث و بررسی قرار گرفته و با دسته بندی گزاره ها و قضایای موجود در این رشته به دو نوع گزاره کیفی و گزاره نجویزی، نسبت و نحوه ی ارتباط و همچنین چگونگی ترکیب آنها با یکدیگر بیان گردیده است. تا از این طریق ضمن برشمردن ویژگی های عمومی معرفت علمی و انطباق آنها بر مفاد راهبردی و امنیت ملی، به تبیین منطق و ماهیت علمی این رشته پرداخته شود. روش تحقیق در این مقاله براساس روش «کیفی - محتوایی» مبتنی بر دو شیوه ی «فرض» و «استنتاج» به طور توأمان می باشد و با بهره گیری از متون و منابع کتابخانه ای تحت نظارت دکتر عصاریان تدوین گردیده و از نوع تحقیقات بنیادی و نظری محسوب می شود.

**کلید واژه ها:** تحقیق کیفی، گزاره نجویزی، امنیت ملی، تدوین راهبرد، معرفت علمی.

منطق قیاسی، مطالعات محیطی، آینده نگاری.

پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

هدف اصلی در این مقاله دستیابی به پاسخ این سوال است که: آیا ماهیت و ویژگی های رشته امنیت ملی و همچنین «ساختار منطقی<sup>۱</sup>» و «روش شناختی<sup>۲</sup>» گزاره ها و قضایای مندرج در آن نسبتی با روش تحقیق علمی دارد یا خیر؟ بدیهی است نوع مفاهیمی که در بخش موضوع و محمول های هر ساختار کلامی<sup>۳</sup> به کار گرفته می شود به طور مستقیم با ماهیت و ساختار علمی یا غیر علمی یک رشته مرتبط بوده و از اهمیت اساسی برخوردار است. به طوری که اعتبار هر رشته ی علمی اعم از علوم طبیعی و انسانی قطعاً در گرو نوع گزاره ها و قضایای به کار رفته در آن می باشد

از آنجا که هر روش علمی مبتنی بر اصول و قضایای خاصی است که مستقیماً به توصیف و تشریح محیط تحقیق می پردازند و در بردارنده دسته ای از قضایا یا مفروضات وصفی و اخباری هستند که در آن موضوعات مورد مطالعه شامل پدیدارهای عینی و حقیقی می باشند، لذا چنانچه محقق امنیت ملی بر آن باشد که محیط تحقیق واجد گزینش روش علمی مطلوب باشد این انتظار وجود خواهد داشت که ساختار گزاره ها و قضایای آن به طور روشن به اعتبار و روائی داده ها یاری رساند بر این اساس، ضروری است تا به تحقیق در این زمینه پرداخته و مفاد و نوع قضایای مندرج در این رشته را مورد شناسایی قرار دهیم

## ساختار اعتبار سازی گزاره ها و قضایای امنیت ملی

این نکته بدیهی است که رشته ی امنیت و راهبرد درگیر مطالعه ی روابط میان دو عامل واقعی یعنی «انسان» و «دولت» است. (شکوئی، ۱۳۷۵: ۱۸). از یک سو انسان با اندیشه، تصمیم و اراده در محیط پیرامون خود دخالت و ایجاد حق کرده و اشیاء و منابع موجود در آن را مطابق خواست و نیاز خود مطالبه می کند و از سوی دیگر دولت و محیط مدیریت و قدرت با نیروهایی که در اختیار دارد میزان و دامنه ی بهره برداری انسان را تعیین و محدود می سازد

۱- Logical Structure

۲- Epistemology

۳- Proposition/Statement

و بدین قرار است که امنیت ملی که متکفل مطالعه در اثرات متقابل دو عامل حقیقی انسان و دولت است، مستقیماً با رابطه عینی و واقعی این دو مرجع سروکار دارد و لذا مطالعه ی مربوط به اثرات دو سویه ی پدیده های حقیقی، ناشی از این رابطه به طور روشن کارکردی حقیقی و به عبارت ساده تر پدیده ای نیازمند شناخت علمی خواهد بود. بر همین قیاس، امنیت ملی نیز که به اثرات دو عامل دولت و انسان از طریق شناخت محیط می پردازد، (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۹) (حافظ نیا، ۱۳۸۵: مقدمه) رویکردی علمی محسوب می گردد، زیرا امنیت ملی مجموعه شرایطی است که اندیشه و اراده ی انسان و دولت و تدابیر عملی او برای تأثیرگذاری بر محیط و صیانت از آن است که جزء لاینفک ماهیت دولت و انسان بوده و تدابیر واقعی در حفاظت از منابع آنان به شمار می رود که محیط را امری عینی و واقع گرایانه جلوه می دهد. بنابراین شناخت و کسب آگاهی دقیق از موضوعات ارتباطی این دو مرجع انسان و دولت، به منزله ی شناخت با ثبات و امن در حوزه ملی است و روشن است که شناخت علمی نیز جز این کارکرد معنای دیگر ندارد (جنسن، ۱۳۷۶: ۱۱۲)

نکته ی قابل ذکر دیگر در مورد مفروضات و گزاره های امنیت ملی آن است که، ما در این رشته صرفاً با گزاره های کیفی و وصفی<sup>۱</sup> سروکار نداریم، بلکه علاوه بر آن با دسته دیگری از گزاره ها که مستقیماً با ماهیت اجتماعی و اقتصادی رشته ی امنیت ملی مرتبط هستند، روبرو هستیم. به تعبیر روشن تر، در امنیت ملی تنها به توصیف و تشریح شرایط عینی و محیط مطالبات بیرونی بسنده نمی شود زیرا هدف از توصیف شرایط عینی، درک روابط ساختی و ذاتی و ضروری میان پدیده ها به منظور به کارگیری آنها در جهت برآوردن اهداف، علایق، تصمیمات و نیازها و مطالبات اجتماعی انسان، گروه و دولت است و روشن است این ویژگی مستقیماً ناشی از وجود عنصر امنیت انسان و قدرت دولت می باشد. بدین قرار گزاره های مربوط به این رشته علاوه بر جنبه های کیفی، با انگیزه ها و مقاصد و غایت مورد نظر انسان یا دولت و نظام امنیت ملی

<sup>۱</sup>-Descriptive Statement

در ارتباط بوده و لذا در کنار تبیین های کیفی<sup>۱</sup> با تبیین های علی و کمتی<sup>۲</sup> نیز در این رشته مواجه می باشیم

### الف - گزاره ها و قضایای کیفی

این قبیل گزاره ها به طور مستقیم به شرایط و وضعیت نیازمند کشف و تبیین اشاره داشته و به بیان ویژگی ها و شاخص های حاکم بر پدیده های واقعی و عینی می پردازد و نحوه ی ارتباط پدیده ها را فارغ از هر نوع ارزش گذاری کمتی مشخص و تبیین می نمایند (طباطبایی، بی تا: ۶۹) از نظر برخی فلاسفه و دانشمندان به ویژه پیروان دیدگاه فرا اثبات گرا تنها این دسته از قضایا در شمار گزاره های کیفی محسوب شده و از اعتبار علمی برخوردارند (لازی، ۱۳۷۷: ۲۳۴) به طور مثال وقتی گفته می شود « انسان موجودی متجاوز و شرور است» (مویر، ۱۳۷۹: ۳۰-۱۱) اولاً عبارت فوق مرکب از سه جزء لازم برای یک بررسی منطقی یعنی ۱- موضوع ۲- محمول ۳- رابطه یا حکم می باشد. ثانیاً صورت عبارت در قالب یک «گزاره منطقی» بوده و قاعده ای عام را بیان می نماید زیرا مراد از انسان در قضیه ی مذکور مطلق انسان بوده و «صورت گزاره» عبارت از کلماتی چون « هر»، « همه»، « همواره» و نظایر آن است که برغم آنکه در ظاهر عبارت نیامده اما در مفهوم گزاره به صورت تقدیری مستتر می باشد. به عبارت روشن تو می توان گزاره و عبارت مزبور را به صورت های زیر هم بیان کرد.

« هر انسانی شرور است»

« همه ی انسان ها متجاوز هستند»

« همواره انسان به دنبال شرارت است»

ثالثاً در گزاره مزبور که از نوع گزاره « ترکیبی یا چندگونه »<sup>۱</sup> است، پیام جدیدی مندرج بوده و به شنونده منتقل می گردد برعکس گزاره ها « تحلیلی»<sup>۲</sup>

2-Causal explanations

2- Teleological explanations

3-Analytic

که اطلاعات و شناخت جدید و اضافی به شنونده یا خواننده نمی دهند. این گزاره از نظر اعتبار می تواند قبول یا مردود باشد. اما مثال های دیگر:

- ۱- « هر اندیشه و رفتار امنیتی ، بازتابی محیطی دارد ».
  - ۲- « تفاوت الگوهای امنیتی موجود میان مناطق گوناگون، ناشی از تفاوت در اندیشه ها ، اهداف و علایق سیاسی دولتها ست ».
  - ۳- « هر نظام سیاسی، قلمرو امنیتی مشخصی دارد ».
  - ۴- « میزان تأثیر و نفوذ دولت ها در محدوده ی قلمرو خود، با فاصله و مسافت فیزیکی نسبت معکوس دارد ».
  - ۵- دو عامل « وسعت » و « موقعیت » در امنیت ملی یک کشور نقش دارند
  - ۶- « پیدایش قدرت و ضعف دولت ها معلول شرایط امنیتی است ».
  - ۷- « در هر کشور میزان تفاوت های قومی، فرهنگی و نظایر آن با ضریب امنیت ملی رابطه دارد ».
  - ۸- « تسلط بر حوزه ی » نیازها و مطالبات انسان ها و گروه کلید نیل به امنیت ملی است.
  - ۹- دولت از حیث سیاسی و امنیتی باید دارای نظام و ساختار معین باشد.
  - ۱۰- « هیچ قاعده و نظمی بر روابط میان دولت ها و گروه ها و مردمان حاکم نبوده و هر نظمی متأثر از نوع نگرش و تفاسیر ذهنی دولت ها از ضرورت های کارکرد جریانات اجتماعی در کشور است.
- عبارات و مثال هایی که ذکر شد، بخشی از گزاره های علمی هستند که غالباً در مباحث امنیت ملی مطرح می گردند. گزاره های مزبور حاوی متغیرهای علمی متعددی هستند که در اینجا به برخی از آنها اشاره می کنیم.
- ۱- همه ی عبارات یاد شده از نظر شکلی و کلی منطقی بوده و شامل سه عنصر « موضوع، محصول و حکم » می باشند.
  - ۲- مفاد گزاره های ذکر شده متناسب با تحولات رویکردی در امنیت ملی بوده و سعی شده است تا متناسب با هر کدام از دیدگاه های رایج در تاریخ اندیشه ها و مکاتب جامعه شناسی امنیت، گزاره ای ناظر بر مفهوم آن رویکرد بیان گردد.

- ۳- براساس ضابطه ای «مطابقت با واقع» می توان ملاحظه نمود که برخی از گزاره های علمی و عبارات یاد شده «قبول» و برخی «مردود» هستند.
- ۴- همه ی عبارات و گزاره های یاد شده به دلیل آن که حاوی اخبار و اطلاعاتی از شرایط و هنجارهای امنیت ملی به صورت عینی بوده و صرف نظر از قبول و یا رد آنان نسبت و روابطی را میان انسان و دولت بیان می کنند به همین جهت از سنخ گزاره ها و قضایای توصیفی و خبری محسوب می شوند

### ب- گزاره های تبیینی و تحلیلی

این مطلب کاملاً روشن است که هدف از هر تحقیق علمی صرفاً محدود به شناخت پدیده ها و توصیف شرایط عینی نبوده و بلکه به دنبال هر پژوهش عملی دستیابی به رهیافت های عملی و اجرایی از اهمیت فراوانی برخوردارند بدیهی است یک کارشناس امنیت ملی نیز تنها به این امر دلخوش نمی کند که به توصیف دقیق پدیده های سیاسی و بازتاب امنیتی و محیطی آنها بپردازد و سپس وظیفه ی خود را خاتمه یافته تلقی نماید. به همین جهت هر پژوهشگر متعهد، کشف و فهم معرفت های بنیادین جاری و حاکم را مقدمه ی نیل به اهداف و علایق عملی و اجرایی تحقیق قرار داده و هدف بنیادین، جاری و حاکم را به آن سمت معطوف می سازد و در این رابطه لاجرم به صدور احکام گزاره ها و عبارات کیفی و هنجاری می پردازد.

نکته حائز توجه در این مورد آن است که برخی روش شناسان و منطق دانان براین اعتقادند که جملات و گزاره های کیفی فاقد محتوای کمی و دستورالعمل های آزمودنی می باشند و به دلیل آن که مستقیماً به مفاهیم ارزشی ارجاع داده می شوند، در زمره ی عبارات و قضایای معنادار قرار می گیرند (گیلیس، ۱۳۸۱: ۲۱۰-۲۰۴) در حالی که برخی دیگر اعتقاد دارند عبارت تبیین، محتوای ارزشی داشته و خاستگاهی غیر از جهان عینی و پدیده های واقعی دارند و چون معیار تمیز معرفت علمی از غیرعلمی استناد گزاره ها به واقعیات بیرونی و قابلیت اثبات یا ابطال آنهاست لذا گزاره های ارزشی به دلیل آن که مابه ازای واقعی و عینی نداشته و از سویی فاقد ویژگی هایی چون اثبات یا ابطال پذیری هستند به

ظاهر در شمار گزاره های علمی قرار نمی گیرند و از این رو عباراتی بی معنا محسوب می شوند (کارل، ۱۳۸۱: ۵۶ - ۵۵ و ۴۹-۴۸)

مطابق این کارکرد می توان با رویکردهای هنجاری و تجویزی این مبانی معرفتی را به صحنه واقعی و عینی منتقل ساخت، درحالی در که روش تحقیق کیفی هر جمله و گزاره ای که مشتمل بر مقولات کیفی و تجویزی بوده و در قلمرو « هست ها» قرار داشته باشد، در ردیف گزاره های حقیقی و علمی قابل گنجایش است و عنوان هر عبارتی که منشایی، ارزشی و توصیه گی داشته و مشتمل بر مفاهیم ارزشی و « باید و نبایدها» باشد، در حوزه ی معرفت های غیر عملی جا دارد. امروز با روش های کیفی به راحتی می تواند پدیده هائی نظیر روانکاوی ارزشی، اخلاق، سیاست و حتی علوم اعتقادی را مورد تحقیق قرار داد. به هر حال اینکه چه نسبت و رابطه ای مفهومی و معرفتی میان این دو دسته از عبارات و گزاره ها بر قرار است، بحثی مفید و دامنه دار و کاملاً فنی است که مجال طرح مبسوط آن در این مقاله وجود ندارد اما از آنجا که اثبات و تبیین ماهیت و جایگاه علمی امنیت ملی در گرو توجیه و تشریح نسبت ارتباط منطقی میان این دو دسته از گزاره هاست، در اینجا ضرورت دارد تا توضیحی اجمالی در این خصوص ارائه گردد.

### نسبت میان روش های توصیفی و تجویزی در بررسی های کیفی

مسأله ی نسبت و ارتباط میان تحقیقات وصفی و تجویزی از دیرباز میان فلاسفه و منطق دانان موضوعی جدال برانگیز بوده و در مباحث فلسفه ی علم ذیل موضوع « تمیز»<sup>۱</sup> و «معناداری»<sup>۲</sup> و در چارچوب عام تر، ذیل مبحث «قوانین واحکام حقیقی» و « قوانین و احکام اعتباری» مطرح می گردد (طباطبایی، بی تا: مقدمه، ۱۲ و ۱۶۳). اصلی ترین محل نزاع در زمینه ی نسبت میان این دو دسته از تحقیق، به مساله ی منشأ و خاستگاه و اهداف آنها باز می گردد. به طوری که محققان و اندیشمندانی که معتقدند هیچ گونه رابطه و

1- Demarcation

2- Meaning

نسبتی میان این تحقیقات وجود ندارد برآند که اصولاً نوعی تمایز و انفکاک منطقی در میان این دو دسته از تحقیقات در مطالعات کیفی وجود دارد که به هیچ مفهوم یا وسیله‌ی منطقی قابل جمع شدن با یکدیگر نمی باشد روشن است اگر مطابق با این دیدگاه بخواهیم مفهوم و کارکرد امنیت ملی را که مشحون از عبارات و مبهم گسترده و چند پهلو به طور توأمان است مورد ارزیابی قرار دهیم، مسلماً به این نتیجه خواهیم رسید که مفهوم امنیت ملی مفهومی چند وجهی و چند موضوعی است و در نگاه نخست می توان هرگونه رابطه‌ی میان امنیت انسان و امنیت دولت را منطقاً غیرقابل توجیه دانسته و از هم تفکیک نمود و اساساً دانشی به نام امنیت انسان معنا و هویت ندارد.

اگر چه مطابق نگرش پوزیتیویستی امکان برقراری رابطه‌ی میان دو دسته از مفاهیم امنیت به صورت پیش گفته وجود ندارد، لیکن ما براساس معرفت شناسی دینی و با بهره گیری از روش های منطقی خصوصاً در منابع اسلامی و روش های تحقیق دینی از این امکان برخوردار هستیم که بتوانیم پیوند و نسبتی منطقی و عقلانی میان قضایای وصفی و محیطی « حوزه های امنیتی » برقرار نماییم. واضح است از این طریق توجیه نسبت و اتصال تحقیقات توصیفی و تجویزی در امنیت ملی و مباحثی چون جنگ و بحران در حوزه امنیت اجتماعی و امنیت داخلی امکان پذیر گردیده و ماهیت و مفاد روش های علمی در امنیت از نظر دین نیز به راحتی اثبات می گردد.

در مباحث و مقولات روش شناسی دینی مبحثی تحت عنوان « تحقیقات قیاسی »<sup>۱</sup> و « تفسیری جامع و اجتهادی »<sup>۲</sup> وجود دارد که با کمک آن امکان برقراری پیوندی منطقی و وثیق میان قوانین حقیقی با قوانین اعتباری و میان گزاره های وصفی ، کیفی و تجویزی و بالاخره میان دانش وارزش وجود داشته و می توان این دو دسته از تحقیقات در قالب روش کیفی به یکدیگر متصل نمود. (مصباح یزدی، ۱۳۸۱: ۹۴-۹۳).

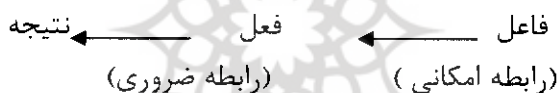
1-Syllogistic necessity  
2-Other syllogistic necessity



شرح مختصر مطلب را با ذکر مثالی آغاز می‌کنیم: «اگر در نظر بگیریم نظامی اسلامی و می‌خواهد به وسیله‌ی دولت، مردم را متنعم از امنیت نماید، در این حالت با عبارتی شامل سه مؤلفه زیر سروکار خواهیم داشت.

۱- فاعل / نظام دینی ۲- فعل / سیاست و تلاش حکومتی ۳- نتیجه/امنیت مردم

اگر به رابطه‌ی میان سه جزء عبارت بالا توجه کنیم، در می‌یابیم که حکومت اسلامی در فعل امنیتی و غیر امنیتی مختار است و می‌توان نتیجه گرفت که رابطه‌ی میان تلاش او و تعیین سیاست‌هایش یک رابطه‌ی امکانی است نه مطلق و الزامی. از سوی دیگر، دولت اسلامی قصد رسیدن به نتیجه امنیت و آرامش ملی را دارد. حال آن‌که این نتیجه (آرامش ملی)، وابسته به فعل سیاست حکومتی است. از طرفی اگر رابطه نظام دین با سیاست حکومتی یک رابطه‌ی امکانی باشد باید فی‌مابین هدف حکومت و اصول دین رابطه‌ی ضروری و قطعی تعریف نمود.



از مقایسه‌ی این دو رابطه می‌توان نتیجه گرفت که، اگر دولت اسلامی قصد نیل به امنیت ملی را دارد، ناچار است تا رابطه‌ی امکانی و مجازی خود را با ملیت و هویت ملی به رابطه‌ی ضروری تبدیل نماید.

حال اگر به اجزای دوم و سوم جمله‌ی قبل توجه کنیم، به طور روشن یک نوع رابطه‌ی ضروری و قطعی از نوع رابطه‌ی علی‌میان آنها خواهیم یافت. با کمی دقت می‌بینیم که نیل به امنیت در سطح ملی معلول تلاش حکومت و نظام اسلامی آن است و می‌دانیم که رابطه‌ی میان علت و معلول یک رابطه‌ی قراردادی نیست بلکه رابطه‌ی واقعی، عقلی و حقیقی است. حال اگر فاعل جمله یعنی دولت اسلامی بخواهد به طور حقیقی به نتیجه که ایجاد آرامش است نایل شود، باید میان ایدئولوژی دینی و سیاست‌های حکومتی رابطه‌ی ضروری و قطعی برقرار کند و بگوید: «باید امنیت ایجاد نمایم». این عبارت نشان می‌دهد باید و الزامی که در جمله به کار رفته، بایدی قراردادی و جعلی و مجازی نیست

بلکه مستقیماً از ملاحظه‌ی واقعیت و رابطه‌ی حقیقی در اصول دینی بدست آمده است. یعنی مقایسه‌ی میان علت و معلول، ضرورت طرفین رابطه بین دو متغیر را ایجاب می‌کند. در این رابطه، ضرورت علت با توجه به معلول، تنها یک ضرورت منطقی نیست بلکه معلول علاوه بر رابطه قیاسی خود با علت در کیان و هستی خود وابسته به علت نیز می‌باشد و از این رو وجود امنیت ملی در نگاه دولت اسلامی یک ضرورت برای رسیدن به امنیت امت اسلامی نیز دارد (معلمی، ۱۳۸۱: ۲۲-۱۲).

از مجموع آنچه بیان گردید می‌توان نتیجه گرفت که بسیاری از گزاره‌ها و احکام اعتباری و باید و نباید‌های اخلاقی، حقوقی، دینی، سیاسی، اقتصادی و نظایر آنها، مبتنی بر مصالح و مفاسد و آثاری واقعی در اعمال و افعال نهفته و یا آشکار محیطی بوده و نوعی ضرورت قطعی و واقعی میان اعمال و نتایج مترتب بدانها را دلالت می‌کند و قواعد اخلاقی در این میان صرفاً به معنای جعل ضرورت‌ها و باید و نباید‌ها نیست بلکه معادل کشف ضرورت و روابط کیفی میان افعال با نتایج آنهاست. (همان ص ۴۵)

بنابراین گزاره‌های انشایی در اخلاق و حقوق و سیاست حاکی از رابطه‌ی باید‌ها یا هست‌ها نیست، بلکه رابطه‌ی بین نیست و هست‌ها و رابطه‌ی بین بودها و باشدها می‌باشد بدین ترتیب محقق با واسطه قراردادن نتیجه افعال که واقعیتی بیرونی میان فعل و فاعل است، ضرورت انجام فعل از سوی فاعل را نتیجه می‌گیرد و این ضرورت معنایی عقلی و حقیقی یافته و تحقیق کیفی را از چارچوب سلیقه‌ای، مجاری و ذوقی خارج می‌گرداند

این برداشت از ضرورت رابطه و نسبت میان علم و اخلاق یا گزاره‌های حقیقی و انشایی، دربردارنده نتایج ذی‌قیمتی است که به خصوص در تبیین و اثبات ماهیت پدیده‌های امنیتی با استفاده از مطالعات کیفی واجد نهایت اهمیت بوده و همچنین در روش‌شناسی و تبیین علمی گزاره‌های علوم انسانی، کاربرد مستقیم دارد. در اینجا برای ایضاح بیشتر مطلب به ذکر یک گزاره‌ی امنیتی پرداخته و تفسیر پیش‌گفته را درخصوص آن مورد بررسی قرار می‌دهیم اگر این گزاره فرضی را داشته باشیم که می‌گوید:

« هرچه میزان تنوع قومی، زبانی، فرهنگی و ... در یک کشور بیشتر باشد، ساختار کلی آن کشور در حوزه امنیت ملی متزلزل خواهد بود». همان طور که ملاحظه می شود در گزاره ی فوق یک رابطه ی علی میان تنوع قومی و ... با تزلزل و عدم امنیت ملی برقرار بوده و بیان شده است بدیهی است این گزاره یک گزاره ی فرضی می باشد و چنانچه توجه کنیم روشن می شود که تزلزل ساختاری و ناامنی اثرات منفی حاصل از تنوع قومی، امری حقیقی، عینی و ملموس به نمایش در آمده است که موجبات اضمحلال تدریجی نظام سیاسی را فراهم می آورد و « برای ممانعت از تزلزل و ناامنی کشور » باید « عوامل منفی تنوع قومی را از طریق افزایش و تقویت نمادها، زمینه ها، علایق اهداف و ... وحدت بخش، خنثی نماییم».

گزاره ی اخیر متشکل از مفاهیم عملی و تجویزی بوده و از نوع انشایی و کیفی به شمار می آید نکته ی مهم آن است که مشخص کنیم منشأ و خاستگاه این توصیه و تجویز چیست به خوبی پیداست که مبنا و منشأ این توصیه و تجویز، نتایج واقعی و کیفی مترتب بر تزلزل و ناامنی است و از این رو با واسطه قراردادن نتیجه افعال و رفتار (تزلزل و ناامنی) ، دو گزاره ی اول و دوم به هم مربوط بوده و گزاره ی تجویزی دوم به طور مستقیم از گزاره اول اخذ شده و حتی معادل آن می باشد لذا می توان گزاره ی اول را از شکل یک فرض کیفی به شکل نتیجه ای کیفی تغییر داد و همین طور گزاره ی دوم را به صورت تجویزی بیان نمود و این دقیقاً به معنای تبدیل گزاره های کیفی و تجویزی به یکدیگر خواهد بود.

لذا هم چنان که بیان گردید به کمک استدلالی که در خصوص تحویل و تبدیل گزاره های وصفی به کیفی و بالعکس مطرح نمودیم می توانیم تصویری کاملاً علمی از علوم امنیت ملی به طور خاص، به دست بدهیم.

## ویژگی های مطالعات کیفی در حوزه امنیت ملی

فلاسفه ی علم و روش شناسی برای مطالعات کیفی خصوصياتی بر می شمارند که برخی از آن خصوصيات بدین قرارند:

۱- روش هر معرفت علمی مبتنی بر مشاهده، تجربه و آزمون است و واضح است مراد از تجربی و عینی بودن آن است که مفهومی همگانی داشته باشد. به عبارت ساده تر، تجربه و مشاهداتی که مبنای تولید ادراک و شناخت علمی است، تجربه و دریافتی است که در دسترس همه قرار داشته و تکرار پذیر باشد (کارل، ۱۳۸۱: ۶۱-۶۰)

اینک اگر بخواهیم بدانیم آیا امنیت ملی نیازمند معرفتی مبتنی بر تجربه و مشاهده و آزمون بوده و بر جنبه هایی از عینیت و مشاهده پذیری همگانی استوار است یا خیر باید به امکان اعتبار زائی داده های ناشی از این روش بیاندیشیم شکی نیست که امروزه در داخل هر واجد سیاسی گروه های متعددی از تجمعات انسان تحت نام طایفه، قوم، گروه و غیره وجوددارند که به بخش های گوناگونی تقسیم گردیده و ماهیتی ساختاری و کارکردی به خود گرفته اند و موجودیتی عینی و واقعی را ترسیم می کند. بدیهی است علایق، اهداف، عملکرد و خصوصیات گوناگون حوزه امنیت ملی همچون امنیت سیاسی، اقتصادی، محیطی و ... هردولتی که نتایج و آثار عینی و حقیقی به همراه دارد، در شمار امور تحقیقی و عینی است.

این واقعیت است که، توازن و استحکام ساختاری یک دولت یا کشور و همچنین عدم توازن یا استحکام آن، با توزیع عادلانه ثروت و منابع و امکانات و در نتیجه احساس امنیت یا عدم امنیت مردم رابطه ی مستقیم دارد و امری قابل تجربه ، محاسبه و تحقیق پذیر برای همه ی دولت ها بوده و قاعده ای عام برای تبیین سرنوشت انسانها و کشورها است. بنابراین اگر در امنیت ملی نسبت و رابطه ی میان سیاست، اهداف، علایق و رفتار دولت با مردم و دیگر ملتها در محیط ملی و بین المللی را مورد بحث و بررسی قرار می گیرد، اولاً توصیف و تشریح این نسبت را باید در قالب به توصیف امور مشهود، ملموس و عینی فراهم آورده و سپس درک مناسبی از روابط فیما بین را در قالب تجربه و مشاهده ی

کیفی مؤلفه های مزبور برای همه ی مخاطبان اعم از دولت ها و مردم میسر نمود، تا امری محققانه محسوب گردد. دوم آن که کاوش های علمی در حوزه مطالعات امنیت ملی همیشه به دنبال فرضیه ای است که محققان در ذهن می-پروارند. محققان پوزیتیویست برآنند که آغاز کاوش علمی خود را با مشاهده ی پدیده های عینی و درک و شناخت اصول و روابط حاکم بر آنها آغاز کنند. از نگاه آنان، روش کشف در حوزه امنیت ملی منحصر به روش «استقراء» بوده و قوانین علمی حاصل بررسی تاریخی و محیطی و مشاهده و ثبت رخدادها سپس تعمیم داده ها به صورت مفاهیم و اصول کلی است (گیلیس، ۱۳۸۱: ۲۲).

در مقابل، محققان دیگری نظیر، «پوپر» و «پی یردوهم» که از منتقدین برجسته ی استقراء گرایی در طول قرن بیستم محسوب می گردند، مروج نگرشی قیاسی یا ترسیم فرضیات کلان پیش از مشاهده و آزمون می باشند (همان، ۱۹). از دیدگاه «پوپر» و «دوهم» مطالعه کیفی همان «نظریه اتکائی» است باید بر پایه فلسفه هر علم شکل بگیرد. (همان، ۱۶۲). به عبارت روشن تر، هر معرفت علمی بر اصول و مبانی و تئوری هائی مبتنی است که به عنوان اصول متعارف و پایه در آن شاخه ی علمی قلمداد می شوند. براساس این دیدگاه، هر نوع پژوهش علمی در حوزه ی امنیت ملی قویا متأثر از پیش فرض های تخصصی محقق خواهد بود و لذا بروز رویکردهایی چون «واقع گرایی» «نهادگرایی» و نظایر آن، شاهدی براین مدعا بوده و در درون همین تلقی از مفهوم پژوهش کیفی قابل بررسی است.

سوم آن که مطالعات کیفی در چارچوب تئوری ها و نظریه ها صورت می گیرند. این ویژگی مطالعاتی ناظر برآن است که هر مطالعه کشفی و عمیق مربوط به پدیده ها و مصادیق مورد مطالعه، صرفاً در درون یک قاعده و چارچوب کلی از انواع نظریه ها و تئوری های کلان آن حوزه امکان پذیر است. به سخن روشن تر، شناخت و تفسیر رفتار و شرایط یک پدیده امنیتی با توجه به فضای عمومی حاکم بر مفاهیم و کارکردهای امنیتی کشور صورت می گیرد که در قاب یک قیاس منطقی صورت می پذیرد. به طور مثال وقتی گفته می شود «ساختار امنیتی هرکشور و دولت متناسب با اندیشه و فلسفه ی سیاسی حاکم بر

آن‌هاست» البته سعی می‌شود که در این حوزه از یک قاعده و تئوری عام و جهانشمول یاد شود که به منزله ی قانون و اصلی ثابت و عمومی است. به همین جهت گزاره ی فوق در قالب یک فرضیه کیفی بیان گردیده است. شکل منطقی این فرضیه بدین شرح است. « ساختار امنیتی هر کشور متناسب با اندیشه و فلسفه سیاسی آن است».

در این زمینه از یک رابطه سیاسی - امنیتی در مورد دولت و اندیشه سیاسی آنان سخن به میان آمده است. بدیهی است که اگر این فرض در شرایط واقعی صادق بوده و مطابق با واقعیت باشد، به روشنی می‌توان آن را بر تمام مصادیق جزئی آن یعنی همه کشورها و اندیشه سیاسی آنان حمل نمود.

چهارمین نکته کلیت روش مطالعاتی در توانایی پیش بینی مشروط و ابطال پذیری آن است

همه قوانین و تئوری های علمی به دلیل خصلت فراگیر و عام خود، از نظم و رابطه ی ثابت، تعمیم پذیر و ضروری در مورد پدیده های محیط مورد مطالعه سخن می‌گویند. واضح است هرنسبت و رابطه ای که صرفاً به موارد خاص و محدودی از پدیده ها اشاره داشته و فاقد ثبات و کلیت لازم در مورد همه ی پدیده های یکسان باشد، هرگز خصلت تعمیم بخشی و علمی نخواهد داشت. به طور مثال، هنگامی که «راتزل»، با الهام از نظریه «امنیت محیطی»، «نظریه ی جبرگرایی» را در خصوص موفقیت دولت ها مطرح می‌نماید و با تسری و تشبیه شرایط ارگانیکی به روابط دولت - ملت، درصدد توجیه و تبیین رفتار امنیتی برمی‌آید، دچار همین خطای منطقی می‌گردد. زیرا او به غلط تصور می‌نمود که اولاً نیاز ملت ها و دولت ها صرفاً ماهیتی مشابه با یک ارگانیسم زنده دارند و ثانیاً رشد و مرگ همه ی دولت ها و ملت ها را تابع قانون نیازهای امنیتی دانست. حال آن که قاعده ی مذکور در اغلب موارد قابل حمل و انطباق بر رفتار کشورها به عنوان یک پدیده ساز امنیتی نبوده و لذا فاقد ثبات و عمومیت لازم برای یک قاعده و گزاره علمی تام باشد. همچنین نظریه ی «امنیت ملی» که از سوی «باری یوزان» در حوزه ی دولت - ملت مطرح گردید، نیز عیناً به دلیل عدم ثبات، عمومیت و عدم مطابقه با واقعیات موجود از همه کشورها فاقد

ویژگی های لازم برای یک نظریه ی تمام عیار در علوم امنیتی است. به همین جهت پس از مدتی، با بروز تحولات مربوط به نهادهای بین المللی و ظهور جنبش های فراملی و گرایشات جهان محوری، نظریه دولت - ملت اهمیت خود را از دست داده و لذا نظریه ی نوین بوزان همانند نظریه ی سنتی هابز مطرود گردیده و کنار گذارده شده است. بنابراین اگر یک نظریه و قانون علمی واجد خصلت عمومی و شمولیت مقتضی نبوده و قابل حمل و صدق در همه یا اکثر موارد مشابه نباشد، هرگز محقق و محیط را از ویژگی علمی و معرفتی خود بهره مند نخواهد کرد. از سوی دیگر، هر قانون و قاعده ی ثابت و کلی که به توجیه رفتار و شرایط امنیتی در حوزه ملی بپردازد از این قابلیت برخوردار باشد که رفتار همه ی پدیده ها در حوزه امنیت ملی را پیش بینی نماید.

به طور مثال وقتی بدانیم میان ماهیت و فلسفه امنیتی یک کشور و رفتار مسوولان دولت و حاکم بر آن، با افزایش سطح احساس امنیت و رضایتمندی مردم آن کشور و بالعکس همواره رابطه ی مستقیم وجود دارد، آنگاه به درستی می توان سطح امنیت کشور مورد نظر را با ضریب احتمال بالا پیش بینی نمود. زیرا ممکن است این قبیل پیش بینی ها به دلیل دخالت عنصر نیاز حقوق دولت و انسان ها، همواره از کلیت صد در صدی برخوردار نباشند. اما چنانچه حتی شامل موارد حداکثری نیز باشند، واجد اعتبار علمی خواهند بود. از جمله ویژگی های دیگر در مطالعات کیفی، خصلت ابطال پذیری واسطه ها در گزاره های علمی آن است. از سوی دیگر اگر براساس مبانی روش شناسی اسلامی، ضوابطی چون ابطال و تحقیق پذیری را معیارهایی مناسب برای تمیز گزاره های علمی از گزاره های غیرعلمی ندانیم هر دو ضابطه ی یاد شده نیازمند ضابطه و توجیهی فراتر از یک روش تحقیق بوده و آن نیز نفوذ قضایا و تصدیقات اولیه و بدیهی عقلی است. که حوزه هستی شناسی و معرفت شناسی را نیز وارد روش تحقیق نماید.

به طور مثال وقتی گفته می شود: « کشورهای دارای تنوع قومی فاقد ضریب امنیتی کافی بوده و همواره امنیت آنان در گرو رفتار و تصمیمات کشورها و قومیت های هم جوار و پیرامونی قرار دارد ». چنانچه در بررسی های محیطی با مورد یا مواردی از کشورهای قوم مدار مواجه گردیم که علیرغم برخوردارگی از

امکانات و منابع غنی اقتصادی و همچنین تکنولوژی و توان بالای نظامی، نه تنها تحت تأثیر و نفوذ قومی کشورهای پیرامون خود نبوده، بلکه در اقدام علی‌رغم تنوع از آزادی عمل بالا و مستقلی برخوردار باشند در آن صورت قضیه ی پیش گفته از درجه اعتبار و کلیت لازم ساقط شده و ابطال می شود اما نظریاتی چون تنوع قومی هانتیگتون و تئوری همبستگی قومی پارسونز و نظایر آن ، درست به همین دلیل مدتی پس از طرح و در قالب تحقیقات امنیتی، نادرستی و عدم تعمیم فرضیه مزبور را در موارد کثیری به اثبات رسانید و لاجرم ابطال گردانید

### تبیین علمی در مطالعات امنیت ملی

غالب پژوهش های امنیتی از نوع پژوهش های میدانی و مواجهه ی مستقیم یا پدیدارهای واقعی محیط است ایضاً در شاخه سیاسی امنیت ملی نیز می توان این ویژگی ها را به وضوح مورد ملاحظه قرار داد مطالعه ی میدانی در مورد امنیت سیاسی و جنبه های مختلف ماهیت سیاسی فضا امری معقول و کاملاً میسر می باشد.

در رشته مطالعات امنیت ملی داده های عینی و قابل مشاهده از طریق مطالعات میدانی تنظیم و دسته بندی می گردند و سپس به عنوان مقدمه ای برای تحلیل های « استقرایی» و به خصوص «قیاسی» در نظر گرفته می شوند و در نهایت به اصول و قوانین تعمیم یافته ی امنیتی در قالب گزاره ها و قضایای علمی منتهی می گردند.

بدین قرار، در امنیت ملی هم از روش های تحقیق قیاسی و تحلیل های ذهنی و هم از شیوه های استقرائی حاصل از مشاهده و آزمون و نتایج به دست آمده در مقیاسی وسیع استفاده به عمل می آید. به همین جهت در این رشته با سه عنصر اساسی « انسان»، « محیط» و « دولت» سروکار داریم، لذا تبیین های به کار گرفته شده در آن مشخصاً شامل دو دسته:

۱- تبیین های علی ۲- تبیین های غایی، خواهند بود.

این که فلان تهدید امنیت ملی در مورد یک کشور نتایج شکننده سیاسی، اقتصادی ، امنیتی و ... خاصی برای آن کشور دارد و یا این که فلان تصمیم و رفتار سیاسی از سوی یک دولت چه آثار و نتایج امنیتی در فضای فرهنگی کشور



دارد، می تواند به طور نسبی در چارچوب یک نظام علت و معلولی مورد بحث و بررسی قرار بگیرد. اما از سوی دیگر اگر انسان در مطالبات اجتماعی و سیاسی محیط خود عاملی فعال و تأثیرگذار به شمار رود، لذا قادر می باشد تا در مواجهه با محیط، قدرت و دولت بتواند منابع و امکانات محیط خود را در جهت مقاصد و اهداف خود بکار گرفته و مطابق با علایق خود از آنها بهره برداری نماید. روشن است در این حالت، توصیف مقاصد، انگیزه ها و اهداف انسانها و دولت ها مستقیماً با منظور و غایات مورد نظر آنها مربوط بوده و از این رو تشریح رفتار انسان در محیط نیازمند تحلیل و تبیین های مختلف امنیتی از نوع غایی و علی خواهد بود. بدین قرار می توان چنین استنباط کرد که، در امنیت ملی هر دو جنبه از تبیین و تشریح علمی (علی و غایی) به طور توأمان به کار گرفته می شوند. این که در این رشته هم از شیوه های استقرایی و هم از شیوه های قیاسی هم زمان بهره گیری می شود، این نتیجه را به دست می دهد که به طور مشخص امنیت ملی به عنوان یکی از رشته های علمی، در بعد روش شناسی متکی بر دستگاهی مرکب از «قیاس - استقراء» بوده و بر شیوه ی «فرضی - استنتاجی»<sup>۱</sup> استوار است. در این روش هم از مشاهده ی موارد جزئی و از طریق تعمیم یافته های خاص به قوانین و اصول کلی می رسند و هم متقابلاً از اصول و قوانین کلی به نحوی قیاسی موارد و مصادیق جزئی را تشریح می نمایند. (لازی، ۱۳۷۷: ۲)

پاسخ به شبهه ی ذکر شده نیازمند طرح مباحث دامنه دار و مبسوطی در روش شناسی و روش تحقیق است که امکان ارائه ی آن در این مقاله نیست. لیکن برای رفع این شبهه می توان بدین پاسخ اجمالی اکتفا نمود که، هیچ مانعی وجود ندارد که ما برای تبیین پدیده های امنیتی و تنظیم گزاره های کلی امنیت ملی، آن دسته از موضوعات و پدیده ها را که از قابلیت مشاهده پذیری بیشتری در امنیت ملی برخوردار بوده و ملموس و قابل ارزیابی کمی هستند، در چارچوب تحلیل و تبیین های علی بررسی نماییم و متقابلاً آن بخش از وجوه و

<sup>1</sup> - Assumptive -deductive

جنبه های امنیت ملی را که خصلت های کیفی و ناملموس دارند، از طریق تحلیل و استنتاجات غایی و براساس حساب احتمالات مورد تحقیق قرار دهیم.

### روش مطالعات راهبردی و امنیت ملی

برای موفقیت و دستیابی به اهداف امنیت ملی در محیط پر تلاطم و متغیر، راه کارهایی لازم است تا امنیت ملی را از میان امواج خروشان تغییرات محیط عبور داده و به سلامت به نقطه امنی برساند. از این راهکارها و برنامه‌ها در ادبیات مدیریت، به نام «راهبرد» یاد می‌شود.

به عقیده بسیاری از صاحب نظران، راهبرد عبارتست از پاسخ گویی به دو سوال عمده: اول این که مقصدتان کجاست؟ و دوم آن که چگونه می‌خواهید به مقصد برسید؟ (مقدمی، ۱۳۸۱)

پاسخ گویی به این دو سوال، امنیت ملی را در یک چارچوب حرکت مشخص قرار می‌دهد و استفاده بهینه از امکانات و منابع در جهت دستیابی به اهداف تعیین شده را میسر می‌سازد. بدین ترتیب راهبرد مسیر کلی حرکت امنیت ملی و بقای نهایی آن را در مقابل تغییرات قابل پیش بینی و بعضاً غیر قابل پیش بینی معین می‌کند و هدف‌های واقعی سازمان امنیت ملی و اثر بخشی آن را مشخص می‌سازد. (پیام مدیران فنی و اجرایی بهار ۱۳۸۱)

اهمیت راهبرد از آن روست که به طور پیوسته و مداوم، محیط امنیت ملی را مورد بررسی و نظارت قرار می‌دهد تا تصمیمات امنیت ملی بدون پایه و اساس و گسیخته از تحولات محیط اطراف نباشد و این ملاحظات راهبردی، لازمه حرکت موفقیت‌آمیز امنیت ملی از لابلای محیط متغیر و گاه متشنج می‌باشد.

برخورداری از راهبرد به امنیت ملی این امکان را می‌دهد که در شکل دهی آینده خود، مجبور نباشد همواره به صورت انفعالی در مقابل کنش‌ها، واکنش نشان دهد. مدیریت راهبردی نه تنها به امنیت ملی کمک می‌کند تا از مجرای استفاده از روش های منظم‌تر، معقول‌تر و منطقی‌تر، نقش فعالی در محیط خود ایفا نماید، بلکه قبل از هر چیز در محیطی که دارای تغییرات فراوان و گاه نامعلومی است و دارای پیچیدگی‌ها و عدم اطمینان بالایی است جهت و سوی

مشخصی را برای حرکت امنیت ملی تعیین می نماید. مدیریت راهبردی این امر را از طریق مفهومی تحت عنوان «راهبرد» محقق می سازد. در واقع امنیت ملی بدون راهبرد، کشتی بدون قطب نما در دریای طوفان زده ای می ماند که یافتن راه درست در آن شرایط تقریباً غیر ممکن می نماید و احتمال زیادی وجود دارد که قبل از رسیدن کشتی به سرمنزل مقصود، حیات آن به خطر بیفتد ... (کردنائیج، ۱۳۸۱: ۲۱)

آینده نگری، شناخت بهتر محیط را برای امنیت ملی ایجاد می کند، از آنجا که امنیت ملی می داند باید مسیری را انتخاب کند که برای دستیابی به آن هزینه هایی را متحمل می شود، مجبور است در شناخت بهتر آنچه در زمان حال در حال رخ دادن است و آنچه بعدها ظهور می یابد، با دقت بیشتری تصمیم گیری نماید و در شناخت فرصت ها و تهدیدهای آتی، توجه بیشتری داشته باشد. هم چنین یک راهبرد خوب:

الف - برای به دست آوردن اهداف مورد نظر ظرفیت لازم را دارد.

ب - به خوبی با محیط خارجی و منابع امنیت ملی و قابلیت های اصلی سازگار است.

ج - آن ظرفیت را دارد که امنیت ملی با مزیت رقابتی ایجاد کند.

د - نشان دهنده پویایی، انعطاف و تطبیق با وضعیت های در حال تغییر است.

ه - خود کفایه و بدون نیاز به حمایت و یارانه ایجاد ارزش می نماید.

(dekey,2005,p1)

در کنار تمام مزیت هایی که برای راهبرد و مدیریت راهبردی گفته شد باید به چند نکته نیز توجه داشت:

تحقیقات راهبردی یک فرآیند روشمند و منظم جهت تدوین راهبرد می باشد. بررسی محیط خارجی و عوامل داخلی امنیت ملی از عناصر مهم و جدایی ناپذیر فرآیند برنامه ریزی راهبردی خواهد بود. این امر به درک فرصت ها و تهدیدات محیطی و نقاط ضعف و قوت امنیت ملی منتهی خواهد شد. بدین ترتیب مبنای تحقیقات راهبردی مجموعه ای از پیش بینی ها از محیط آینده خواهد بود که اساس آنها بررسی و شناخت محیط فعلی و برخی عناصر دیگر می باشد. راهبرد بر اساس همین تحلیل ها و پیش بینی ها برای آینده سازمان امنیت ملی تدوین

خواهد شد. حال اگر بین پیش‌بینی (در زمان تحقیقات) و آنچه که به وقوع خواهد پیوست (در زمان اجرا)، تفاوت زیادی وجود داشته باشد، اثر بخشی راهبرد مورد تردید واقع می‌شود.

در واقع تحقیقات راهبردی امنیت ملی با انتخاب و بررسی برخی عوامل محیطی داخلی و خارجی و تحلیل آنها به صورت استقرایی عمل می‌کند و این آن چیزی نیست که مناسب دنیای متحول امروز در دستیابی به اهداف سازمان امنیت ملی باشد.

از دیدگاه ماهوی، تفکر راهبردی یک بصیرت و فهم است. این بصیرت کمک می‌کند تا انسان در پی تحقیق خود تشخیص دهد کدام یک از عوامل در دستیابی به موفقیت مؤثرند و کدام مؤثر نیستند.

کارکرد اصلی تفکر راهبردی خلق چشم انداز است، در ایجاد چشم انداز، بیش از داده‌های سخت و کمی، داده‌های نرم و کیفی نقش داشته و ایده‌های خلاقانه، فهم و بصیرت از محیط و قابلیت‌های ادراکی درون مایه‌های اصلی کار هستند.

مهمترین ویژگی تحقیقات راهبردی، نگرش تمام نگر (Holistic approach) به فضای سازمانی امنیت ملی است. این نگرش، تصویری کلی در ذهن ایجاد می‌کند که هرچند این تصویر کلی، غیر دقیق و در برخی موارد حتی غیر قابل بیان است ولی مفاهیم آن در قالب یک ساختار مفهومی، امنیت ملی را در مسیر صحیح هدایت می‌کند.

تحقیقات راهبردی در مقابل تحقیقات غیر راهبردی روش‌های متفاوتی را بر محقق حکم می‌کند. جدول شماره (۱) این روش را در مقابل دیگر روشها نشان می‌دهد. (همان، ص ۵۶)

لیدکا برای تفکر استراتژیک پنج رکن اصلی زیر را پیشنهاد کرده است (همان):  
(۷۴):

- ۱- نگاه کلی به محیط.
- ۲- تمرکز برهدف تحقیق در تدوین راهبرد.
- ۳- اکتشاف هوشمندانه.
- ۴- پیشروی با فرضیه کیفی.

۵- تفکر در زمان و نگاه به آینده.

در تحقیق امنیت ملی محیط به عنوان یک سیستم کلی نگریسته می‌شود و وابستگی‌های کلیدی آن از جمله، فرصت‌ها و تهدیدها و رابطه بین این عوامل به درستی ترسیم شده و مفهوم یکپارچه‌ای از محیط را تداعی می‌کند.

در این روش، تمرکز منابع در راستای دستیابی به هدف که همانا نیل و کشف راهبرد امنیت ملی است توصیه می‌شود. این منابع، امکانات فیزیکی، منابع انسانی، توانمندی‌های تکنولوژیک و ... را شامل می‌شود.

اکتشافی هوشمندانه به هوشیاری متفکرانه راهبردی نسبت به محیط اشاره دارد. همچنین یک متفکر امنیت ملی باید قادر باشد خلاقانه فرضیه‌سازی کند و مدیرانه آن را در معرض آزمون قرار دهد و بدین ترتیب بین تفکر واگرا (خلاقیت) و تفکر همگرا (تحلیل) پیوند برقرار کند.

تفکر در حال و آینده، یادآور این نکته است که امنیت صرفاً در زمان حال زندگی نمی‌کند. گذشته، حال و آینده از هم جدا نیستند. آینده بر مبنای گذشته شکل می‌گیرد و نقطه آغاز آن شرایط حال است. به تعبیری موفقیت‌های امروز حاصل توانمندی‌های دیروز امنیت ملی است و برای موفقیت در آینده نیز باید امروز پایه گذاری کرد.

این نکته از آن جهت قابل تأمل است که در بیشتر تحقیقات در جستجوی محیطی امنیت ملی، تصور عمومی آن است که درناکامی‌های تحقیق هدفگذاری‌ها نقش دارند، درحالی‌که برای دستیابی به اهداف به موضوع دیگری به نام اجرای خوب نیز نیازمندیم. بنابراین در صورتی که جمع آوری محیطی به شکست منجر شود در بررسی‌ها آن بایستی مرحله اعتبار را نیز از نظر دور نداشت.

گذشته از اجرای مناسب تحقیق، ویژگی‌ها و معیارهای معینی برای افزایش اعتبار راهبردی مطرح است که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- **شفافیت اهداف** : یکی از پنج ویژگی بارز یک هدف درست طراحی شده، شفافیت و مشخص بودن آن است. اهداف مبهم هیچ کمکی به شناخت محیطی نخواهند کرد. بلکه منابع تحقیق را هدر خواهند داد. بدین ترتیب اولین اثر یک

هدف مشخص و معلوم، تمرکز منابع و داشته‌های یک محقق برای حضور در محیط و کشف واقعیت‌های آن است.

### گام‌های راهبردی اثر بخش

گاهی با تمام دقتی که در انجام تحقیق صورت می‌گیرد موانع و عواملی موجب ناکارآمدی و مثرثمر نبودن راهبردها می‌شوند که می‌توان آنها را دام‌های تحقیق نامید. به بیانی دیگر می‌توان دام‌های مزبور را با معیارهای تحقیق اثر بخش کنترل نمود که در اینجا به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

**۱- شناخت و تحلیل‌های ذهنی:** شناخت هر کس بر اساس الگوهای ذهنی او صورت می‌گیرد. برای درک عوامل محیطی امنیت ملی و دیگر تحلیل‌ها در حوزه تحقیقات راهبردی، نمی‌توان صرفاً به شناخت‌های ذهنی افراد تکیه نمود و باید با استفاده از روش‌های مختلف سنجش و تحلیل تا هرجا که ممکن است این شناخت را به یک شناخت عینی مبتنی بر واقعیت‌ها بدل نمود.

**۲- راهبرد جامع‌نگری:** در بررسی‌های راهبردی امنیت ملی و تدوین آن نمی‌بایست صرفاً به مطالعات و بررسی‌های تحقیقات کتابخانه‌ای و یا اسنادی اکتفا نمود. بلکه باید از مشاورین و مراکز تحقیقاتی، اصول تدوین راهبرد و روش‌های سنجش عینی گرا و کیفیت ساز بهره‌گرفت، از اجزاء و عناصر محیط، مخاطبان و ذی‌نفعان و خبرگان نظرات و پیشنهادهای دریافت کرده و در امر تدوین راهبرد امنیت ملی آنها را مشارکت داد. اما افرادی که متولی تحقیق و اظهار نظر‌های کلیدی می‌باشند صلاحیت لازم را برای اظهار نظر و تصمیم در زمینه تدوین راهبرد باید داشته باشند.

**ایجادیکپارچگی در نتایج تحقیق و عمل امنیتی:** در بسیاری از تحقیقات امنیت ملی را، موضوعاتی تحت عنوان راهبرد مکتوب می‌شود اما فقط در همین حد از مفهوم راهبرد در سازمان امنیت ملی استفاده می‌شود. راهبرد باید تعیین‌کننده جهت حرکت امنیت ملی بوده و محور تمامی برنامه‌ها و تصمیمات قرار گیرد و معیار تخصیص منابع لازم در امنیت ملی و بسیج منابع و امکانات در جهت تحقق آن باشد. نتایج تحقیق راهبردی باید امنیت ملی را به یک مجموعه

یکپارچه تبدیل کرده و تمام بخش های به ظاهر مجزا را به یک کل منسجم تبدیل کند.

**کاهش اهداف مطالعات امنیت ملی:** در صورتی که اهداف امنیت ملی را که عمدتاً زیاد و احياناً متضاد باشند در مطالعه بگنجانید در مرحله نخست راهبردهای تحقیق نتیجه بخش نخواهد شد و ثانیاً استفاده از راهبردهای فراوان به دلیل عدم تمرکز منابع که نتیجه چنین رخدادی نیز می باشد، احتمالاً هیچ نتیجه مثبتی را عاید امنیت ملی نخواهد کرد.

در تحقیقات راهبردی امنیت ملی باید به این نکته اساسی توجه داشت که راهبردها توان و قدرت خود را از انطباق محیط با قابلیت های منابع ارزشمند و بعضاً محدود در قالب مهمترین فرصت ها می گیرند و تعدد اهداف راهبردی امنیت ملی در یک تحقیق این کارکرد را از بین خواهد برد. (غفاریان و کیانی، ۱۳۸۳: ۲۱۰)

### تضمین آینده

آینده نگری، شناخت بهتر محیط را در تحقیق توصیه می کند: از آنجا که محقق می داند باید مسیری را انتخاب کند که برای تداوم آن آینده را رقم و محقق نماید، مجبور است در شناخت بهتر آنچه در زمان حال در حال رخ دادن است و آنچه بعدها ظهور می یابد، با دقت بیشتری موشکافی و اکتشاف نماید و در شناخت فرصت ها و تهدیدهای آتی، توجه بیشتری داشته باشد.

محقق باید بتواند ارتباطات خوبی را فیما بین اهداف امنیت ملی و فرهنگ ملی و عمل کرد مردم و دولت به صورت اثر بخش برقرار سازد: هنگامی که ملت و دولت مسیر حرکت امنیت ملی را می دانند و خود در شکل دهی بدان نقش دارند، یکپارچگی و ارتباطات قابل فهم تری در میان کارکنان بخش های مختلف به وجود می آید. اطلاع کارکنان از چرایی تحقیق از یک طرف و پذیرش و همکاری با محقق از طرف دیگر می تواند نتایج حاصله از بررسی های امنیت ملی را تحکیم دهد.

لذا یک تحقیق خوب راهبردی امنیت ملی:

الف- برای نیل به اهداف مورد نظر باید ظرفیت‌های تحقیقاتی لازم را داشته باشد.

ب - به خوبی با محیط خارجی و منابع امنیت ملی و قابلیت‌های اصلی خود را سازگار نماید.

ج - روشی را انتخاب نماید که ظرفیت امنیت ملی و محیط تحقیق را پوشش دهد.

د - روش تحلیلی را برگزیند که بتواند پویایی، انعطاف و تطبیق با وضعیت‌های در حال تغییر را در راهبردها معتبر سازد.

در کنار تمام مزیت‌هایی که انجام و انتخاب روش مناسب در مطالعات راهبردی امنیت ملی گفته شد باید به چند نکته نیز توجه داشت:

باید دقت کرد توجه به شهودی بودن راهبردها، سازمان تحقیق را از توجه به روش‌های میدانی و اکتشاف و بررسی محیطی دور نکند زیرا هر مؤلفه و شاخص محیطی می‌تواند نتایج تحقیق را از کار آمد بودن خارج سازد.

در تحقیقات راهبردی امنیت ملی، درک مسائل محیطی، حوادث تاریخی و امکان وقوع در آینده، یک ضرورت است. محقق باید براساس یک انگیزه درونی همواره پی گیر درک تحولات و اتفاقات آینده در افق‌های دور دست باشد و این موضوع همواره یکی از دغدغه‌های عمده وی در تحقیقات راهبردی گردد. در گذشته به علت پایین بودن سطح علم و دانش و همچنین عدم شناخت کافی نسبت به آینده، دامنه این خواسته به زمان‌های کوتاه در آینده محدود می‌شد، اما امروزه با گسترش حوزه علوم و توسعه تکنولوژی‌های گوناگون این امکان به وجود آمده است که بتوان در تحقیقات راهبردی امنیت ملی به آینده بلند مدت نیز امید داشت. از این رو در تحقیقات راهبردی امروز با به کارگیری کیفی، محققان در پی کشف، ابداع و ارزیابی آینده‌های ممکن، محتمل و بهتر هستند که می‌تواند گزینه‌های مختلف مربوط به آینده را پیش روی آنها قرار دهد و در انتخاب و پی ریزی مطلوب‌ترین راهبردها به آنان کمک کند.

لذا اساسی‌ترین دلمشغولی محققان امنیت ملی آن است که آینده چه می‌شود. دلیل آن هم این حقیقت است که آینده وجود ندارد بلکه باید تعریف شود.



یعنی اگر آینده هنوز وجود ندارد، پس هنوز به وجود نیامده و اگر هنوز ایجاد نشده، می توان با تحقیقات علمی تغییری در شیوه ای که آینده را متحول می کند، ایجاد نمود. شاید بتوان برای طی این مرحله توسط محققان امنیت ملی مراحل ذیل را پیشنهاد نمود.

۱- شناخت تحولات علی در بروز مشکلات، تهدیدات و فرصت ها  
ارزیابی و آشنایی علی با چالش های فرا رو، تهدیدات و فرصت های موجود در بطن روندها و تحولات، نخستین مرحله یک فعالیت علمی آینده پژوهانه است.

۲- به چالش کشیدن مفروضات و الگوهای جاری  
اگر در صدد باشیم به درک صحیحی از وضعیت های آتی برسیم، چاره ای جز عبور از مفروضات و شالوده شکنی سرمشق های موجود نخواهیم داشت. بسیاری از پیش فرض ها را باید از زاویه دیگر و با نگاهی نقادانه مورد بررسی قرار داد و در صورت نیاز حک و اصلاح نمود.

۳- ایجاد چارچوب هایی روشمند در تصمیم سازی  
پس از رسیدن به برآوردی واقعی از تهدیدات و فرصت ها و باز نگری در الگوهای موجود، به چارچوب هایی نوینی در فرایند تصمیم سازی خواهیم رسید.

۴- تعیین سیاست ها و واکنش های بدیل  
بدیهی است به دنبال رسیدن به چارچوب هایی جدید، تعیین و تنظیم خط مشی ها و اقدامات مقتضی که با قالب های طرح ریزی شده همخوان و متناسب باشد، ضرورت دارد.

۵- پیشنهاد انواع رویکردهای ممکن برای حل مساله  
گام واپسین در آینده پژوهی ارائه رویکرد هایی به منظور رفع مشکلات و مسائل است. (عسگری، ۱۳۸۲: ۸۹)

## روشهای مطالعه آینده در موضوعات امنیت ملی

۱- روش تحلیل روند<sup>۱</sup>: این شیوه که عمدتاً در مطالعه آینده های بدیل به کار گرفته می شود، به نام های دیگری از قبیل پیش بینی گرایش، طرح ریزی و روند نیز شناخته می شود. روش مذکور یکی از شیوه های پر طرفدار می باشد. دلیل این است که اگر داده های روند گذشته در دسترس باشد. تحلیل روند به طور سریع و ارزان قابل انجام است و نیاز زیادی به درک عوامل سببی ندارد. بنابراین اگر داده های موجود منظم بوده و زمان نسبتاً طولانی را در گذشته پوشش دهد، آینده پژوهان می توانند تا حد زیادی اطمینان داشته باشند که تحلیل روند در کوتاه مدت از اعتبار خوبی برخوردار است. نقطه ضعف روش این است که تحلیل روند به تنهایی ما را قادر نمی سازد تا به روابط سببی پی ببریم. از سوی دیگر تحلیل روندها با این فرض انجام می شود که آنچه در گذشته رخ داده، در آینده هم ادامه خواهد یافت. در حالی که آینده ممکن است، ناشی از کاربرد داده های تاریخی ناقص یا نادرست به طور غلط تحلیل و درک شود.

۲- روش تاثیر متقاطع<sup>۲</sup>: در این شیوه می توان تاثیر متقابل روندها و رویدادها را مورد مطالعه قرار داد. این روش برای اولین بار از سوی اولاف هلمر ابداع شد. در این روش از یک ماتریس دو بعدی ساده و کیفی استفاده می شد. تمام رویدادهای مربوطه و تمام روندهای مربوطه بر روی محورهای افقی و عمودی قرار داده می شوند. انتخاب این رویدادها و روندها در ماتریس قرار داده شده و دوباره قضاوت کارشناسی به کار می رود تا احتمال وقوع هر یک از آنها را برآورد کنند. مهم ترین حسن این روش آن است که آینده پژوه را وادار می کند تا به روابط متقابل تمام متغیرهایی که برای تجزیه و تحلیل انتخاب شده اند، به دقت بیاندیشد.

درباره معایب این روش نیز می توان به این موارد اشاره کرد:  
تغییرات در روندها، تاثیر متقابل خطی برنتایج دارند در حالی که شاید این تاثیر خطی نباشد.

<sup>1</sup>-Trend Analyzis

2- Cross-impact Analysis

بررسی تاثیر یک رویداد یا روند دوم احتمال دارد که رابطه های واقعی را نشان ندهد.

این احتمال وجود دارد که تاثیر یک رویداد یا روند چندین بار محاسبه گردد.  
**۳- روش دلفی:** این شیوه در اوایل دهه ۱۹۵۰ از سوی مرکز تحقیقات (Rand) مطرح شد. ایده اصلی این است که کارشناسان بسیاری بر یک موضوع به طور سیستماتیک متمرکز شوند تا اطلاعات بیشتری را در مورد آن موضوع عرضه کنند و درانتها قادر باشند پیش بینی جامعتری را ارائه نمایند. دلفی روش سهل و مناسبی برای شناسایی روندها و رویدادهایی است که باید در نظر گرفته شوند. به خصوص در مواردی که باید مطالعات چند رشته ای وسیع و خارج از محدوده ی کاری یک پژوهشگر انجام شود، این روش می تواند بسیار مفید باشد. مزیت دیگر این شیوه آن است که می توانیم تعداد زیادی از کارشناسان مختلف را در یک پروژه پژوهشی شرکت داده و اختلاف نظرهای علمی یا سیاسی آنها را در حد پایین نگهداریم.

در این روش، دیدگاه کارشناسان از طریق پاسخ به سوال های طرح شده در پرسشنامه ها به صورت کیفی جمع آوری می شود. اشکال عمده آن است که پرسش ها در معرض تعصبات شخصی گروه پژوهشی و یا پاسخ دهندگان به پرسشنامه ها قرار دارند.

**۴- روش سناریو سازی:** سناریوها رویدادهای متوالی هستند که برای معطوف ساختن توجه به فرآیندهای سببی و نکات مهم تصمیم گیری ایجاد می شوند. سناریوها به دو نوع پرسش پاسخ می دهند:

چگونه ممکن است وضعیتی فرضی مرحله به مرحله پیش آید؟

چه جایگزین هایی برای هر بازیگر در هر مرحله، برای جلوگیری کردن، منحرف ساختن یا سهولت بخشیدن به این فرآیند وجود دارند؟

سناریوها می توانند برای برنامه ریزی کمک مناسبی به شمار آیند و وضعیت های مختلفی که باید سیاست ها در آنها به مورد اجرا گذاشته شوند را برای برنامه ریزان ترسیم کنند. یکی از مشکلات سناریو سازی این است که ایجاد

<sup>1</sup> Scenario Building

سناریوهای متعدد منابع زیادی را صرف می نماید، به خصوص اگر از طرح ریزان و برنامه ریزان انتظار داشته باشیم که برای سناریو طرح های دقیق و گسترده ای را پیشنهاد نمایند. با وجود این سناریوسازی از این رو که روشی منطقی و معقول برای ایجاد آینده های جایگزین در محیط های پیچیده ارائه می کند، روشی پرطرفدار است.

### تحلیل فرآیندی:

این روش، الهام بخش اصلی اکثر مدل های اخیر تحقیقات راهبردی بخش های دولتی و خصوصی است که از سوی متفکران مختلف عرضه شده است و مینتز برگ از آن به عنوان «مکتب برنامه ریزی» یاد می کند و به عنوان یک مدل فرآیندی شناخته می شود.

هدف اصلی مدل هاروارد کمک برای ایجاد مطلوب ترین سازگاری بین امنیت ملی و محیط مربوط می باشد و به عبارت دیگر تدوین بهترین راهبرد برای امنیت ملی است. به اعتقاد «اندروز» راهبرد، «الگویی از مقاصد و خط مشی های معروف امنیت ملی و کسب و کار آن» است. دستیابی به بهترین راهبرد؛ به تجزیه و تحلیل نقاط ضعف و قوت درونی امنیت ملی و ارزش های مدیریت ارشد و از طریق شناسایی تهدیدهای خارجی و فرصت ها و موقعیت های موجود در محیط و الزامات و تعهدات اجتماعی امکان پذیر است.

استفاده موثر از این مدل بر این فرض استوار است، که مدیریت ارشد، در مورد موفقیت امنیت ملی و پاسخ راهبردی مناسب آن توافق داشته و از قدرت و اختیار کافی برای اجرای تصمیمات متخذه برخوردار باشد. یک فرض مهم نهایی که در کلیه رویکردهای موجود در مورد تحقیقات امنیت ملی مشترک می باشد آن است که در صورت تعیین راهبردی مناسب و اجرای آن، امنیت ملی موثرتر خواهد بود. البته این مدل ها بایستی به یاری رویکردهای دیگری نظیر «رویکرد دارایی» تکمیل گردد.

بخش فرصت ها، توانمندی ها، ضعف ها، تهدیدها - که به تحلیل Swot معروف است - نقطه قوت اصلی مدل هاروارد است. این ارزیابی در بخش های دولتی، خصوصی و جوامع نیز کاربرد دارد. هرچند که در مورد جوامع، تمیز

عوامل درونی و بیرونی بسیار دشوار است. ضعف اصلی مدل هاروارد آن است که پیشنهاد مشخصی در زمینه چگونگی تدوین راهبردها ارائه نمی‌دهد و صرفاً بر این نکته اشاره دارد که استراتژی‌های موثر بر توانمندی‌ها استوار خواهند بود، از مزایای ناشی از فرصت‌ها و موقعیت‌ها بهره خواهند جست و بر ضعف‌ها فائق آمده و تهدیدها را به حداقل ممکن خواهند رساند. (آهنگران، ۱۳۸۲، ۱۳۹-۴۱ و منوریان، ۱۳۸۱، ۳۹-۴۱)

**تحلیل رقابتی:** این رویکرد که توسط «میشل پورتر» و همکارانش ارائه شده است. با عنوان تحلیل رقابتی متضمن این فرض است که با تحلیل نیروهایی که رقابتی را در محیط ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی تشکیل می‌دهند، می‌توان سطح کلی منافع را در سراسر آن محیط و همچنین توفیق احتمالی هر راهبرد خاص را بر سطح مورد نظر پیش بینی کرد. نظر پورتر بر این فرض استوار است که پنج عامل کلیدی شامل: قدرت عناصر محیط، قدرت نهفته در منابع، تهدید توانمندیها، منابع جانشین، تهدید رقبای جدید و مقدار رقابت موجود بین بازیگران، صحنه رقابت هر محیط را تشکیل می‌دهند.

هرگین (Herrigan, 1981) چنین استدلال می‌کند. که، موانع بیرون راننده شدن از محیط ششمین عاملی است که بر توفیق مردان راهبردی موفق در این محیط، تأثیر می‌گذارد. در مدل تحلیل رقابتی این فرض اساسی وجود دارد که هرچه عواملی که یک محیط را شکل می‌دهد قوی‌تر و منقبض‌تر باشند، سطح عمومی‌بازده امنیت ملی در آن محیط پایین‌تر خواهد بود.

در بسیاری از کشورها معادل‌هایی برای عوامل موثر بر رقابت‌های محیطی وجود دارد. در این بخش‌ها، قدرت نرم و اقلان سازی عمومی غالباً مهم است، ارائه کیفی و کمی خدمات نیز می‌توانند مبنا و مرجع اعمال نفوذ باشد تا در بخش منافع حاکم و حیاتی تعداد رقیبان و پوزیسیون بسیار محدودتر شود. هر چند اخیراً سازمان‌های غیر دولتی و غیر انتفاعی رقابت جدی را با دولت‌ها در جذب مشارکت‌های مردمی آغاز کرده‌اند که این گونه موارد را می‌توان با روش‌های تحلیل رقابتی استخراج نمود. (آهنگران، ۱۳۸۲، ۴۸-۴۶ و منوریان، ۱۳۸۱، ۴۸-۵۰)

**۴- شناخت و تحلیل محیط خارجی:** تحقیقات امنیت ملی هیچگاه در خلاء صورت نمی‌گیرند، بلکه در محیطی متغیر، دنبال شده و در چنین محیطی هم به اجراء در می‌آیند، بنابراین شناخت محیط خارجی و عوامل موجود در آن، تحلیل و پیش‌بینی وضعیت آینده‌ی آنها، در اجرای یک تحقیق اثر بخش موثر خواهد بود. تحلیل محیط خارجی، تحقیقات امنیت ملی را از فرصت‌ها و تهدیدهای محیطی آگاه ساخته و آن را به بهره‌برداری از فرصت‌ها و دوری‌گزینی یا مقابله با تهدیدها در جهت دستیابی به اهداف خود رهنمون می‌سازد.

**۵ - شناخت و تحلیل عوامل محیط داخلی:** تحلیل محیط داخلی، تحقیقات را از وضعیت فعلی محیط و نقاط ضعف و قوت آن آگاه خواهد ساخت بدین ترتیب محقق می‌تواند نقاط قوت محیط را مدیریت و یا برای شکار فرصت‌ها به کار گیرد و تا حد امکان سعی می‌کند ضعف‌های خود را برطرف نماید. برای تدوین یک تحقیق موفق، محقق باید بداند که اهداف مورد تعقیب او در کجاست و چه وضعیتی دارد تا بهتر بتواند در جهت دستیابی و تحقق آنها حرکت کند.

### نتیجه‌گیری

طی این مقاله ماهیت و موضوع مطالعات کیفی در امنیت ملی مورد بحث قرار گرفته و از طریق تبیین و تشریح قضایای مندرج در این رشته جایگاه معرفتی و علمی آن اثبات گردید. براساس مباحث مطروحه ابتدا در یک دسته بندی، مفروضات و گزاره‌های موجود در امنیت ملی به دو گروه ۱- گزاره‌های کیفی ۲- گزاره‌های تجویزی تقسیم شد و با اتکا به استدلال منطقی موسوم مدل نمودیم که گزاره‌های کیفی و تجویزی و به عبارت دیگر قضایای حقیقی و اعتباری قابل تبدیل به یکدیگر بوده و از این طریق نتیجه گرفتیم که چون گزاره‌های کیفی و تجویزی مندرج در امنیت ملی همانند گزاره‌ها و عبارات علمی و کیفی و منشأ و خاستگاهی حقیقی داشته و نهایتاً قابل ارجاع به محیط واقعی می‌باشند، لذا در حوزه‌ی امنیت ملی می‌توان از معرفتی تمام‌عیار و علمی سخن گفت.

در پایان ضمن بحث و بررسی پیرامون روش شناسی و نوع تبیین های به کار رفته در مطالعات امنیت ملی، نتیجه گرفتیم که در این رشته هم از شیوه های استقرایی و هم روش های قیاسی به طور توأمان می توان استفاده نمود و همانند سایر رشته های علمی می توان روش شناسی مطالعات امنیت ملی را مبتنی بر دستگاه مرکب از «قیاس - استقراء» و یا روش «فرضی - استنتاجی» دانست. به همین جهت در این رشته می توان هم از تحلیل و تبیین های علی و هم از تحلیل های غایی در تشریح موضوعات مورد مطالعه به صورت کیفی بهره گیری کرد.



## منابع و مأخذ

- ۱- بوزان، باری، دولت، مردم، هراس، ترجمه مطالعات راهبردی، تهران، ۱۳۷۵.
- ۲- ریموند، کارل، منطق اکتشاف علمی، ترجمه حسین کمالی، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱.
- ۳- ریموند، کارل، حدس ها و ابطال ها، ترجمه احمد آرام، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۳.
- ۴- حافظ نیا، محمدرضا، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیکه انتشارات پاپلی، ۱۳۸۵.
- ۵- جنسن، آریلدهولت، امنیت، تاریخ و مفاهیم، انتشارات سیرو سیاحت ۱۳۷۶.
- ۶- سروش، عبدالکریم، دانش و ارزش، انتشارات یاران، ۱۳۵۸.
- ۷- سروش، عبدالکریم، علم چیست؟ فلسفه چیست؟، انتشارات پیام آزادی، ۱۳۵۸.
- ۸- شکویی، حسین، اندیشه های نو در روش شناسی، جلد اول، انتشارات گیتا، ۱۳۷۵.
- ۹- گیلیس، دانالد، فلسفه ی علم در قرن بیستم، ترجمه حسن میاننداری، سمت، ۱۳۸۱.
- ۱۰- لازمی، جان، درآمدی تاریخی به فلسفه ی علم، ترجمه حسن میاننداری، سمت، ۱۳۷۷.
- ۱۱- مصباح یزدی، محمد تقی، فلسفه اخلاق، شرکت چاپ نشر بین الملل، ۱۳۸۱.
- ۱۲- معلمی، حسن، رابطه هست ها و بایدها مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۱.